خبر

آثار هنرمندان جوان در فلورانس

● **گروه هنر:** نمایشگاه «ایران منهای چهل» با آثار ۲۰ هنرمند ایرانی در ایتالیا برپاست. نمایشگاه هنرمندان زیر ۴۰ سال ایرانی با عنوان «ایران منهای چهل» با همکاری موزه palazzo bastogi در کشور ایتالیا برپا شد. شهر فلورانس در تاریخ سوم مرداد میزبان مراسم افتتاحیه این نمایشگاه بود که با حضور ریاست گروه‌های برپاکننده نمایشگاه، مدیران موزه و جمعی از علاقه‌مندان برگزار شد.

نمایشگاه «ایران منهای چهل» شامل آثار ۲۰ هنرمند نقاش و عکاس ایرانی است که توسط انستیتوی تخصصی هنرهای معاصر خاورمیانه و اروپا در فرانسه و کانادا انتخاب شده‌اند. مؤسسه Safpem صاحب یک مجموعه مهم از آثار هنرمندان جوان است و برای بالابردن آگاهی از هنر معاصر شرق میانه و ترویج آن در سطح بین‌المللی تلاش می‌کند. به منظور گسترش این میراث باارزش هنری، بسیاری از آثار مجموعه در رویدادهای متعدد در اروپا، آسیا، چین، آفریقا، کانادا و آمریکا نمایش داده می‌شوند.

هنرمندان شرکت‌کننده در نمایشگاه، وحید چمانی، سعید خاورنژاد، مرتضی خسروی، مهسا علیخانی، سوده داوود، مصطفی خسروی، روکسان لوبله، بهروز مجیدی، نگار اورنگ، مهرداد کریمی، آتنا فریدونی، گیتا داوری، اشکان صانعی، مهرداد جعفری، فرزاد شکاری، مسعود میرزایی، سهراب نبی‌پور، علی بهشتی، نفیسه صدیقی و علی معتمدیان هستند. این نمایشگاه تا ۱۰ مردادماه ادامه دارد.

جایزه بهترین فیلم‌برداری به فیلم «جاودانگی» رسید

● **گروه هنر:** امین جعفری، بهترین فیلم‌بردار جشنواره فیلم «عشق» شد. او جایزه بهترین فیلم‌برداری جشنواره بین‌المللی «عشق» در آمریکا را برای فیلم «جاودانگی» دریافت کرد.

امین جعفری در این رقابت در کنار فیلم‌بردارانی سرشناس توانست عنوان بهترین فیلم‌بردار این جشنواره را به خود اختصاص بدهد. فیلم‌های سینمایی «روسی» به کارگردانی امیرحسین ثقفی، «سه‌رخ» به کارگردانی جعفر پناهی و «پرویز» به کارگردانی مجید برزگر از جمله آثار این فیلم‌بردار جوان سینمای ایران است.

استقبال از نمایش «ترس‌ولرز»

● **گروه هنر:** اجرای نمایش «ترس‌ولرز» به نویسندگی و کارگردانی مریم زرینی و نقش‌آفرینی زینب گرمارودی در تالار مولوی با استقبال هنرمندان تئاتر و سینما روبه‌رو شده است.

نمایش «ترس‌ولرز» که اجرای آن از هفتم مردادماه در تالار مولوی آغاز شده، هر روز ساعت ۱۸ در سالن کوچک مولوی اجرا می‌شود و تاکنون هنرمندان و چهره‌هایی مانند؛ فریدون مجلسی؛ دیپلمات، مترجم و نویسنده، شهرام مکری؛ نویسنده و کارگردان سینما و شیرین یزدانبخش؛ بازیگر تئاتر و سینما و... به تماشای این نمایش نشسته‌اند. مریم زرینی این متن را در سال ۱۳۹۵ نوشته و از همان‌موقع تمرین‌هایش را آغاز کرد. این متن از مواجهه انسان با موقعیت‌های گریزناپذیر زندگی‌اش سخن می‌گوید؛ درباره آنچه در پس رویارویی او با اتفاقات عادی و معمول زندگی بر سر روانش می‌آید.

نمایش «ترس‌ولرز» می‌گوید که گاهی آنچه طبیعت به شکل معمول بر آدمی مقدر کرده، تبدیل به فاجعه‌ای عظیم می‌شود. علاقه‌مندان برای تماشای نمایش «ترس‌ولرز» هر روز ساعت ۱۸ به سالن کوچک مولوی مراجعه کنند.

«آدمکش» در ایرانشهر

● **گروه هنر:** نمایش «آدمکش» با کارگردانی زری اماد در سالن استاد ناظرزاده‌کرمانی تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه خواهد رفت.

«آدمکش» بر اساس نمایش‌نامه «غرب مغموم» اثر مارتین مک‌دونا با ترجمه مهرداد بهراد به تهیه‌کنندگی، دراماتورژی و کارگردانی زری اماد، مردادماه سال جاری در سالن استاد ناظرزاده‌کرمانی روی صحنه می‌رود.

تا این لحظه حضور بازیگرانی مانند؛ مجید سعیدی، محمود موسوی، مسعود رحیم‌پور، میلاد ثقفی، محمدرضا خرسند، امیرمحمد کوثرخواه، امیرحسین سجادی، امیر رجبی، نیما دهباشی و زری اماد در این نمایش قطعی شده و به‌زودی بازیگران دیگر نقش‌های اصلی آن اعلام خواهد شد.

سرزمین کهن

بانو سردار

سرزمین کهن

اردشیر صالح‌پور خطاب به رئیس صداوسیما:

بختیاری‌ها توقع دارند حقیقت به تصویر کشیده شود

گروه هنر: سریال «بانوی سردار» در ۱۰ قسمت به کارگردانی پرویز شیخ‌طادی و تهیه‌کنندگی سعید مرادی این‌روزها مراحل تولید را پشت‌سر گذاشته است. داستان این سریال درباره زندگی بی‌بی مریم، سردار بختیاری، است که تاریخ شاهد رشادت‌های او بوده. با توجه به حساسیت‌هایی که پیش از این در دو سریال تلویزیونی نسبت به ترسیم تصاویر و نقش قوم لر و بختیاری به وجود آمده و اعتراضاتی به همراه داشت، اردشیر صالح‌پور، استاد دانشگاه و پژوهشگر تئاتر، نامه‌های سرگشاده خطاب به رئیس سازمان صداوسیما نوشته و در اختیار «شرق» قرار داد که به این شرح است:

«زان پیش که وصف حال گویم / از خالق ذوالجلال گویم

به نام خدا؛ جناب آقای علی‌عسکری، رئیس محترم سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، با سلام و احترام بی‌شک شما این حدیث و روایت را شنیده‌اید که می‌گویند مومن کسی است که دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود... اجازه بدهید در همین مقدمه عرض کنم که نه برای دومین‌بار بلکه برای چندمین‌بار است که به لطف نیش زهرآگین مدیران و برنامه‌سازان بی‌تدبیر و سریال‌سازان کم‌مایه و ناآگاه و شاید مغرض آن رسانه ملی افترا، توهین و اسائه ادب و تحریف نسبت به یکی از قدیمی‌ترین و شریف‌ترین قوم و تبار این سرزمین یعنی «لرهای بختیاری» که همواره در خدمت ایران و سرافرازی این مملکت بوده‌اند آن هم بی‌ایجاد فرصت برابر رسانه‌ای، روا داشته می‌شود که جای بسی شگفتی و دور از انتظار است.

باری، هنوز این قوم و مردمان نژاده و نجیب از آسیب‌های سریال «سرزمین کهن» خلاصی نیافته بودند که پیامد آن پخش سریال «ایراندخت» صدمات دیگری را دامن زده و قلب میلیون‌ها لر و بختیاری را که دغدغه‌ای جز کیان و استقلال و وفاداری به ارزش‌های این نظام و مملکت نداشته‌اند شکست و اعتماد و اطمینان خود را از آن رسانه ملی گسست. جهت استحضار و یادآوری در آن سریال که اتفاقا در شب‌های دهه مبارک فجر پخش می‌شد؛ به طور تحریک‌آمیزی، عامدا و یا سهوا دیگربار به تاریخ و عزت و کرامت بختیاری توهین شده و یک لر بختیاری در نقش و منزلت خدمه «ستارخان» ایفای نقش کرده که این امر هرگز سندیت تاریخی نداشته و به طور اهانت‌باری جعل مستقیم تاریخ و تحریف جایگاه حقیقی و حقوقی بختیاری به‌ویژه در دوران معاصر بوده است. قطعا طرح این موضوع یا هیچ اصول و اسناد تاریخی و حتی منطق دراماتیکی سریال سازگاری نداشته که چگونه یک لر بختیاری ساکن در جنوبی‌ترین ناحیه غربی ایران به خدمت یکی از شخصیت‌های تاریخی شمال‌غربی ایران درآمده باشد. این بُعد فاصله را کارگردان محترم، نویسندگان و مشاوران تاریخی چگونه و با کدام مستندات و مدرکات تاریخی توجیه می‌کنند؟! اصلا این دو شخصیت تاریخی آن هم در صد سال پیش با دو زبان متفاوت «ترکی و لری» چگونه با هم تکلم می‌کرده‌اند؟! وانگهی چرا یکی در مقام «سرور و دیگری در مقام خادم» ظاهر شده‌اند!

- ما هنوز در انتظار ارائه اسناد تاریخی در این زمینه هستیم؟!

این امر البته هرگز به منزله اسائه ادب به مرتبت و خدمات ارزنده «ستارخان» به‌عنوان «سردار ملی» نیست. بلکه بختیاری‌ها ضمن احترام به رشادت‌های ایشان به‌ویژه مقاومت تبریز و مشروطه‌خواهی علیه استبداد از این سردار رشید به نیکی یاد می‌کنند و جالب توجه آنکه در تاریخ ۱۴ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۷ ه. ق هنگامی که تبریز در محاصره است و سپاه بختیاری اصفهان را آزاد می‌کند ستارخان در پیام تلگرافی به مجاهدان بختیاری مشروطه‌خواه تبریک می‌گوید و از ضرغام‌السلطنه بختیاری می‌خواهد که به سمت فتح طهران حرکت کند...

- اما ملاحظه بفرمایید که سریال‌سازان شما چگونه این وحدت، همدلی و وفاق ملی بین دو قوم بزرگ ایرانی یعنی «آذری» و «بختیاری» در تاریخ را به نمایش می‌گذارند؟!

در این سریال شخصیت لر بختیاری چکمه‌های ستارخان را واکس می‌زند و او را سردار خود قلمداد می‌کند، برای او چای می‌ریزد و هیچ از زحمات و جانفشانی بختیاری برای آزادی و رفع استبداد به گاه مشروطه که بختیاری با سه هزار سوار دلیر تهران را آزاد می‌کند سخن نمی‌گوید!

- بی‌شک به شهادت تاریخ مشروطه مدیون و مرهون بختیاری است ولی این سریال این را نمی‌گوید!

باری، این کم‌لطفی‌ها و بی‌توجهی‌هاست که مردمان بختیاری را نگران کرده و اعتماد خود نسبت به مدیران شما را از دست داده‌اند و رسانه ملی را آینه حقیقت‌نمای خود نمی‌بینند.

بگذریم، پس از گذشت دو سال از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بختیاری‌ها و تحلیل دقیق و واقع‌بینانه ایشان در نقش بختیاری‌ها در ازمنه تاریخ و تجلیل ایشان از مقام شامخ سردار «بی‌بی‌مریم بختیاری» و فرزند دلیرش «علیمردان‌خان بختیاری» علیه استبداد و دیکتاتوری و توصیه و تأکید به معرفی خدمات این چهره‌های درخشان ملی سرانجام برنامه‌سازان شما به صرافت افتاده‌اند که سریالی در این خصوص و به‌عنوان جبران مافات بسازند.

و شگفتا که متاسفانه بی‌توجهی به نقصان‌ها و کاستی‌های گذشته همان خطاهای همیشگی در حال تکرار است و گویی بار دیگر مدیران از همان سوراخ گزیده می‌شوند...

اولا، کارگردان انتخابی نه بختیاری است و نه هیچ شناخت و آگاهی از تاریخ و فرهنگ این قوم و قبیله دارد. ضمن آنکه از سوابق درخشان و افتخارآفرینی هم در عرصه سریال‌سازی برخوردار نیست. دوم آنکه نویسنده معلوم نیست که کیست و از کدام منابع و مدارک الهام گرفته است؟ نکته دیگر آنکه تا این لحظه گروه سازنده از مشاورت و همفکری اهالی فرهنگ، تاریخ و ادب بختیاری و فعالان این رشته هیچ استفاده‌ای نکرده و قطعا گروه اجرایی که خود اهلیت بختیاری ندارند از ظرافت‌ها و حساسیت‌های قومی و خطوط قرمز قومی بی‌اطلاع‌اند و بیم آن می‌رود که حسب سابقه و عدم مشاوره لازم اشتباهات تاریخی تکرار شود. البته این سخنان و دلواپسی‌ها قصاص قبل از جنایت نیست. بلکه ناشی از عملکرد غیرمتعامل مدیران محلی استانی و سازندگان است که زمینه این نگرانی‌ها را فراهم کرده است.

جای تعجب و شگفتی است که این سریال نه در لوکیشن و جغرافیای بختیاری، بلکه در اطراف تهران ساخته می‌شود و هنرمندان بختیاری‌تبار، خود در آن هیچ نقشی ندارند. اگر خلاف این است هرچه سریع‌تر به دستور شما سازندگان، نویسندگان و مشاوران آگاه به فرهنگ و تاریخ بختیاری را معرفی نمایند تا این تشویش برطرف گشته و اطمینان خاطر بختیاری حاصل گردد.

اردشیر صالح‌پور

- متاسفانه در زمستان سال گذشته درست دو ماه پس از آنکه مراحل فیلم‌برداری در تهران آغاز و فیلم وارد مراحل تولید شده بود مدیرکل صداوسیمای استان چهارمحال و بختیاری جلسه‌ای بدون حضور کارگردان و نویسنده و دست‌اندرکاران اصلی تشکیل داده و از ۷۰ نفر فعالان و نخبگان و صاحب‌نظران فرهنگی و محلی دعوت به عمل آورد تا مورد مشاوره قرار گیرند... ملاحظه فرمایید زمان مشاوره دو ماه پس از آغاز فیلم‌برداری!

- حاصل جلسه مذکور بیانیه‌ای هشت‌ماده‌ای از سوی نخبگان شرکت‌کننده در آن جلسه بود که تماما تأکید موکد داشته‌اند که نه سازندگان صلاحیت این امر را دارند و نه هیچ بختیاری مورد مشورت قرار گرفته است. تقاضا می‌کنم جهت صحت و سقم این موضوع بیانیه هشت‌ماده‌ای را از مدیرکل چهارمحال‌وبختیاری که به امضای ۷۰ نفر شرکت‌کننده رسیده است ملاحظه فرمایید که هیچ‌کدام از بندها و مفاد و منویات آن مورد امعان نظر و توجه سازندگان قرار نگرفته و آرا و نظرات ایشان صرفا جهت گزارش تلویزیونی بوده است.

- آیا بختیاری حق ندارد که نسبت به این کم‌لطفی و بی‌توجهی نگران باشد گویی این بزرگان برای خالی‌نبودن عریضه و به عنوان تشریفات آن هم در جلسه‌ای فرمایشی، حضوری تشریفاتی داشته‌اند! تاسف دیگر آنکه از نویسنده کتاب «بی‌بی‌مریم بختیاری» و پژوهشگران و اهالی تاریخ هم کوچک‌ترین استفاده‌ای نشده و ظاهرا اصرار بر آن بوده است که به عنوان رفع تکلیف و پرکردن کنداکتور برنامه‌های تلویزیونی با صرف شش میلیارد تومان از بودجه ملی کشور بی‌مشارکت بختیاری‌ها، توسط دیگران برای آنان تاریخ‌سازی شود!

جناب آقای علی‌عسکری در یک ماه اخیر «تبلیغی» از همین فیلم پخش شده که نگرانی‌ها را افزون ساخته است. گویا نقش «بی‌بی‌مریم» را به بازیگری آماتور سپرده‌اند که هیچ سابقه و اشتهاری در امر بازیگری نداشته در حالی که توقع بختیاری آن بوده که این شخصیت والا و اسطوره‌ای را به عنوان زنی که لقب سردار گرفته است و خود نویسنده و آگاه و صاحب هوش و درایت و مادر علیمردان‌خان شهید بختیاری بوده است توسط هنرپیشه‌ای حرفه‌ای و چهره‌ای نام‌آور و ایفای نقش گردد و این توقع بیهوده نیست!

بختیاری دوست دارد قهرمانانش توسط چهره‌های مطرح و ستاره‌ها به جامعه ایرانی معرفی شوند نه بازیگرانی درجه سه و چهار و تازه‌کار... .

جناب آقای علی‌عسکری! بختیاری‌ها از جنابعالی به عنوان عالی‌ترین مقام صداوسیمای جمهوری اسلامی توقع و انتظار دارند که هرچه سریع‌تر اوضاع این سریال را بررسی و مراحل شکل‌گیری و عدم مشاوره و همکاری بختیاری را در به نمایش‌گذاشتن تاریخ پرافتخار خود مورد توجه جدی قرار دهید و از بروز هرگونه اشکال تاریخی و ضعف در این سریال جلوگیری به عمل آورید. زیرا بختیاری‌ها پس از دلشکستگی از سریال‌های پیشین «سرزمین کهن» و «ستارخان» انتظار دارند که سیمای جمهوری اسلامی آینه حقیقت‌نمای تعلقات و اعتماد آنان باشد و به نوعی از آنان دلجویی شود و دیگر بار مدیران شما از همان سوراخ گزیده نشوند. باری علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد...

- برای جنابعالی و آن رسانه ملی آرزوی اعتماد و اطمینان ملت ایران و برای ایران عزیز آرزوی سرافرازی و وفاق ملی اقوام را در جهت تحکیم این مملکت دارم».

تلألوی امواج سکوت در خاموشی دریا

علی علیخانی

«خاموشی دریا» اثری که این روزها به کارگردانی «نیما دهقان» در تماشاخانه استاد ناظرزاده‌کرمانی روی صحنه رفته است، اقتباسی است آزاد از رمانی به همین نام نوشته «ورکور (Vercors) (نام مستعار ژان برولر Jean Bruller)»، نویسنده فرانسوی که در سال ۱۹۴۱ و در اوج اشغال فرانسه به دست نیروهای نازی به رشته تحریر درآمده است. خوشبختانه این رمان با تیزبینی و هوش بالای «مرحوم حسن شهیدنورایی»، دوست صمیمی «صادق هدایت» (که از تقدیر اعجاب‌آور، هر دو در یک روز در سال ۱۳۳۰ در پاریس درگذشته‌اند)، به‌سرعت ترجمه شده و در سال ۱۳۲۳ در اختیار خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفت. متن به‌سرعت تبدیل به یکی از نمادهای مقاومت در فرانسه شد و با اینکه به‌لحاظ ادبی جزء شاهکارهای ادبیات فرانسه نبود، اما مضمون آن چنان فراگیر شد که رد آن را در تاریخ هنر این کشور می‌توان به وضوح مشاهده و مطالعه کرد. رمان شرح‌حال پیرمردی فرانسوی است که با دختر برادرش زندگی می‌کند و در خانه خود مجبور به میزبانی یک افسر آلمانی هستند که خانه آنان را اشغال کرده است؛ افسری که موسیقی‌دان است و فرانسه را دوست دارد، ولی از جنگ نیز تعبیر و تفسیری فرهنگی می‌کند و سعی در جلب نظر میزبانانش دارد، اما میزبانان او برای بیان اعتراض خود به اشغال خانه و کشورشان جز سکوت و خاموشی راهی نمی‌شناسند. بعد از پایان جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۴۹، «ژان پیر ملویل»، فیلم‌ساز شهیر فرانسوی، اولین اثر سینمایی‌اش را در اقتباسی وفادارانه از این رمان ساخت. بعدها در سال ۲۰۰۴ هم شاهد مینی‌سریالی بر پایه این رمان بودیم. در ایران هم «مرحوم بیژن مفید» این داستان بلند را با همکاری صدای لطیف «ناصر طهماسب» و «فهیمه راستکار» در نمایشی رادیویی اجرا کرد.

«رضا گوران» در نمایش‌نامه «خاموشی دریا» اقتباسی کاملا آزاد از این رمان داشته است. جای پیرمرد و برادرزاده‌اش را زوج جوانی گرفته‌اند که برخلاف داستان اصلی تا پایان نمایش حتی یک کلمه صحبت نمی‌کنند. طبعا تغییر شخصیت‌های داستان از پیرمرد و دخترک به یک زوج و ازبین‌رفتن رابطه شبیه به پدر و فرزندی که در رمان تصویر شده نیازمند تغییرات زیادی در متن نمایش‌نامه است که گوران به خوبی توانسته اصلاحات لازم را به عمل آورد. نیما دهقان نیز با میزانسن و طراحی صحنه مطلوبی که تدارک دیده است، به خوبی به ترسیم روابط حاکم بر خانه تصرف‌شده همت گمارده و با اضافه‌کردن المان‌هایی مانند گلدان و رسیدگی به آن توسط کاراکتر خانم نمایش‌نامه و همچنین شطرنج‌بازی‌کردن کاراکتر آقا، بازی در سکوت دو شخصیت را جذاب‌تر و گویاتر کرده است. به اینها اضافه کنید بارداری شخصیت خانم در انتهای نمایش که موجی از امید به راه مبارزه بدون خشونت را القا می‌کند و همچنین خیره‌شدن این کاراکتر به تابلوی زنی در انتظار و تیره‌روشنی‌های شب فرانسه در اطراف تابلو که تجلی‌دهنده کورسویی از امید در بحران موجود است، اما نمایش‌نامه عمدا یا سهوا شخصیت افسر آلمانی را دچار تحولی شگرف کرده است. اگر در متن اصلی با «ورنر فون ابرناک»، افسری روشنفکر با روحیه‌ای بسیار لطیف، موزیسینی شاعرمسلک که عشق او به فرهنگ و هنر فرانسه و لزوم احیای روح آلمانی با کمک گنجینه عواطف فرانسه او را به همراهی در جنگ متقاعد کرده است، روبه‌رو هستیم، در نمایش‌نامه کاراکتر افسر آلمانی بیش از اندازه در افکار ناسیونالیستی و گاهی شوونیستی فرورفته است و در تضادی آشکار پیرامون احساسات لطیف و شاعرانه خود با افکار متعصبانه و لحن تهاجمی‌اش که ریشه‌گرفته از تلقی افراطی از «اراده معطوف به قدرت» نیچه است، در حال دوران است. همین اضافه‌کردن اعتقادات فلسفی و به‌خصوص اشاره به جمله معروف نیچه و عناصر دیگری درخصوص نبود اعتقادات مذهبی کاراکتر افسر نازی، تم نمایش را از تم اصلی متن رمان دور می‌کند. به این دورشدن نمی‌توان خرده گرفت، به‌خصوص که نویسنده با زیرکی پیرنگ دیگری به موضوع نمایش‌نامه اضافه کرده و با اشارات تحقیرآمیز افسر آلمانی به سربازان روس و در نهایت اعزام اجباری این افسر به جبهه سیبری، بُعد دیگری از پروبال‌دادن به متن را در اقتباس ادبی به رخ می‌کشد، اما چیزی که بیش از همه در مقایسه متن اصلی با نمایش‌نامه به چشم می‌آید، تفاوت چشمگیر در روحیات و ماهیت وجودی افسر آلمانی است. در متن اصلی ما با شخصیتی تقریبا یکدست و بدون بالاوپایین‌های چشمگیر رفتاری از کاراکتر ابرناک مواجه هستیم؛ عاملی که باعث می‌شود بعد از تسلیم‌شدن در برابر سکوت شش‌ماهه دو کاراکتر دیگر که جز یک جمله ناخودآگاه چیز دیگری از آنها نشنیده است، در مقابل تمسخرش از جانب دیگر افسران آلمانی و بربادرفتن رؤیای اتحاد فرانسه و آلمان هم تا حدودی کمر خم نکند و افسرده و ناامید به راهش در جبهه نبرد ادامه دهد، اما کاراکتر متضاد نمایش‌نامه که یک روز فرهنگ، تاریخ و وجود فرانسوی‌ها را به تمسخر می‌گیرد و در مسائل خصوصی و شخصی دو کاراکتر دخالت می‌کند تا با تحقیر آنها، سد سکوت را بشکند و روز دیگر با فوران احساسات شاعرانه‌اش به تماشای باران می‌نشیند، به صدای دلنشین سوختن چوب در شومینه گوش می‌دهد و با شنیدن آهنگی از باخ از خود بی‌خود می‌شود را نمی‌توان جز در شخصیتی دارای اختلال دوقطبی گذرا حاصل از جنگ تفسیر کرد؛ کسی که با اظهارنظری عجیب مبنی‌بر اینکه همین سکوت است که باعث شده فرانسه هیچ‌وقت اهل گفت‌وگو نبوده و فیلسوف هم نداشته باشد، به روحیه روشنفکری این کاراکتر در متن اصلی هم پشت کرده و بیش از پیش درمانده و عاجز به نظر می‌آید. این دوگانگی شخصیت است که راه را برای پایان متفاوت نمایش‌نامه هم باز می‌گذارد؛ وقتی که افسر آلمانی بعد از تحقیرشدن و ازبین‌رفتن غرور خود، قبل از رهسپارشدن به جبهه روسیه تن به خودکشی می‌دهد و سربازی معمولی از صفحه شطرنج جنگ، به بیرون از بازی منتقل می‌شود، اما جنگ همچنان ادامه دارد و سکوت پایان‌نیافتنی است (این نکته در سکوت بدون لبخند علیرضا آرا در پایان نمایش و هنگام تشویق تماشاگران بیش‌ازپیش به چشم می‌آید). به قول شمس‌تبریزی «چیزی که در سخن نمی‌گنجد فقط با سکوت قابل‌فهم است».

نمایش با بهره‌گیری از متنی که مونولوگ است، ۷۰ دقیقه پرسکوت را سپری می‌کند که در دل سکوت مهیبش بازی بی‌نظیر «شهرام حقیقت‌دوست» جلوه‌گری کرده و بازی بی‌کلام «علیرضا آرا» و «خاطره اسدی» سایه‌روشنی می‌شوند که به مونولوگ‌های حقیقت‌دوست عمق بیشتری بدهند. هرچند بشخصه علاقه‌مند هستم از بازیگری مانند علیرضا آرا با آن بیان رسا و شیوا بیشتر بازی کلامی ببینم تا بازی بی‌کلام، اما نمی‌توان کتمان کرد که پازل بازیگری نمایش به خوبی چیده شده و نقش‌ها در حد متن، باورپذیر شده‌اند، اما کم‌فرازوفرودبودن متن موجب فروکش‌کردن هیجان در بسیاری از صحنه‌ها شده است. لحن، سکون همراه با غم و اندوه را که البته خودخواسته و تعمدی بوده در روح نمایش جاری و ساری کرده است. به همین دلیل شاید خاموشی دریا خاطره فوق‌العاده نمایش «ماتریوشکا» با هنرنمایی «پارسا پیروزفر» را زنده نکند تا ثابت شود که ظرافت‌های کلام باید به‌قدری پخته باشد تا انتظار رود مونولوگ، جذابیتی حتی فراتر از دیالوگ یابد. «نیکو سخنی باید تا از خاموشی به باشد».[1]

۱- ابوسعید ابوالخیر

زیر آسمان فیروزه‌ای

رکورد فروش حراجی «کریستیز» شکست

CHRISTIE'S

● **گروه هنر:** حراجی کریستیز مجموع فروش خود در نیمه نخست سال ۲۰۱۸ میلادی را به رکورد جدید چهارمیلیارد دلار رساند تا همچنان پیشتاز بازار هنری دنیا باشد. خانه حراجی کریستیز اعلام کرد در نیمه نخست سال جاری میلادی میزان فروش آثار هنری خود را برای اولین‌بار به رکورد چهارمیلیارد دلار رسانده است که در مقایسه با آمار ۳٫۰۷ میلیارددلاری نیمه اول سال ۲۰۱۷، حاکی از رشد ۳۵ درصدی و تداوم قدرتمند بازار هنری جهان است. در این بازه زمانی شش‌ماهه میزان حراجی‌های عمومی کریستیز با ۲۸ درصد رشد به ۳٫۱۶ میلیارد دلار رسیده است، حراجی‌های خصوصی نیز با رشد ۱۳۵ درصدی فروشی بالغ بر ۳۹۰ میلیون دلار را به ثبت رسانده‌اند و حراجی‌های آنلاین کریستیز نیز با رشد ۵۰ درصدی، فروش ۳۸ میلیون‌دلاری را رقم زده‌اند. «گیلیام سروتی»، مدیر ارشد اجرائی حراجی کریستیز، با اشاره به ثبت رکورد جدید این حراجی در فروش شش‌ماهه گفت، ۲۷ درصد از کل خریداران در این بازه زمانی جدید بودند و درمجموع ۸۴ درصد از کل اجناس به‌حراج‌گذاشته به فروش رفته‌اند. موفق‌ترین حراجی کریستیز در نیمه ابتدایی سال، حراجی مجموعه هنری «راکفلر» در ماه می بود که درمجموع به فروش ۸۳۵ میلیون دلاری دست یافت و رکورد جدیدی در فروش یک تک‌مجموعه اثر هنری را به ثبت رساند. بیش از ۸۵ هزار نفر از نمایشگاه عمومی این حراجی در آسیا، اروپا و آمریکا که شامل دوهزار اثر هنری متعلق به خانواده «راکفلر» بود دیدن کردند. حراجی کریستیز که بزرگ‌ترین خانه حراج در دنیاست، در سال ۱۷۶۶ توسط جیمز کریستی در بریتانیا بنا نهاده شد و اکنون دفاتر اصلی آن در لندن و نیویورک قرار دارند.

سراینده طریق‌التحقیق کیست؟

● **گروه هنر:** سی‌وسومین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره سنایی با عنوان «سراینده طریق‌التحقیق کیست؟» با سخنرانی دکتر غلامرضا دهبد در روز چهارشنبه، دهم مرداد، ساعت ۱۶:۳۰ در مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود. در این درسگفتار، توضیح داده می‌شود که چگونه پس از اینکه سال‌ها طریق‌التحقیق سروده سنایی شمرده می‌شد، برخی از پژوهندگان و ادبیات‌شناسان درباره انتساب آن به سنایی شک کردند و بو اوتاس، پژوهشگر نامدار سوئدی، ضمن تصحیح انتقادی و عالمانه، دلایل روشنی را برای اینکه این اثر نمی‌تواند از آن سنایی باشد ارائه کرد. کار بو اوتاس سه ارزش را دربر گرفت: متن انتقادی و سنجیده طریق‌التحقیق را فراهم و منتشر کرد. با پژوهش خود نکته‌ای را در تاریخ ادبیات ما و نیز کارنامه سنایی روشن کرد. شیوه و روش او برای شناخت سراینده واقعی این اثر برای جامعه‌شناسی ما و پژوهش‌های ادبی راهگشا و آموزنده بود.

انتصابات در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

● **گروه هنر:** دکتر اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در حکمی «مظفر پاسدارشیرازی» را به سرپرستی معاونت توسعه مدیریت و منابع و«هانیه گرائیلی» را به سرپرستی اداره کل حوزه ریاست، روابط‌عمومی و امور بین‌الملل منصوب کرد.

وودی آلن در «مکتب تهران»

● **گروه هنر:** سومین برنامه «لیترامـا» در «مکتب تهران» به اجراخوانی دو نمایش از وودی آلن اختصاص خواهد داشت. دو نمایش‌نامه «مرگ در می‌زند» و «قصه کوتاه آقای بزرگ» نوشته وودی آلن با طراحی و کارگردانی شیوا اردویی به زبان انگلیسی اجراخوانی خواهند داشت. بر اساس این خبر، در این دو اثر که در روز شنبه ۱۳ مرداد جاری، در دو سئانس ۱۹:۳۰ و ۲۱ اجرا می‌شوند، بازیگرانی مانند محمد سعیدی، مانوش مجدزاده و شایان دیلمقانی نقش‌خوانی خواهند کرد. علاقه‌مندان به آثار وودی آلن و همچنین دانشجویان و هنرآموزان زبان انگلیسی می‌توانند برای خرید بلیت سومین برنامه «لیترامـا» به سایت تیوال مراجعه کنند.

نمایش‌نامه‌خوانی «مورچه‌ها» در عمارت نوفل‌لوشاتو

● **گروه هنر:** نمایش‌نامه «مورچه‌ها» به تهیه‌کنندگی سیدمصطفی موسوی‌منش و کارگردانی پونه عبدالکریم‌زاده در عمارت نوفل‌لوشاتو خوانش می‌شود. نمایش‌نامه «مورچه‌ها» به تهیه‌کنندگی سیدمصطفی موسوی‌منش و کارگردانی پونه عبدالکریم‌زاده، روز شنبه، ۱۳ مرداد، جاری ساعت ۲۱ در عمارت نوفل‌لوشاتو خوانش می‌شود. نمایش‌نامه «مورچه‌ها» اثر نویسنده انگلیسی، کاریل چرچیل، بوده که در سال ۱۹۶۲ میلادی نگارش یافته و توسط پونه عبدالکریم‌زاده ترجمه و کارگردانی شده است.